تئاتر

نگاهی به نمایش زمزمه مردگان نوشته و کار سیامک احصایی

شیوه گرایی ساختار شکن

رامتین شهبازی

گروه تئاتر امروز با اجرای نمایش زمزمه مردگان آنچنان که در برنوشت این نمایش آورده است قصد دارد از این پس به گروههایی بپیوندد که نمایشهای تجربی را دستمایه اجرا قرار می دهند. این جمله را از گروه تئاتر امروز می پذیریم به خاطر اینکه تجربه ای چندساله وموفق از اجراهای رئالیستی و کلاسیک در کارنامه خود دارد.

چه زمانی که محمد یعقوبی به عنوان نویسنده و کارگردان همراه این گروه بود و چه زمانی که او از این گروه جدا شد و دیگر اعضای گروه خود کارگردانی و نویسندگی را بر عهده گرفتند. اما این تئاتر تجربی و گرایش بیش از حد بخصوص جوانان به آن یکی از معضلات امروز تئاتر ایران به شمار می آید که چندین سال بعد تبعات آن را خواهیم داد. گروهی که هنوز هیچ تجربه درستی از زبان تئاتر ندارد، دست به ساختارشکنی می زند. این شکل اجراها و تجربه های گوناگون در کشورهایی مثل فرانسه که هر شب صدها سالن در یک شهر به اجرای نمایش می پردازند امری مفید به نظر می رسد: اما برای هنر تئاتر ایران با یک مجموعه نمایش بعید می دانم راه به جایی ببرد. بگذریم که آسیب شناسی نمایشهای تجربی خود مقالی دیگر طلب می کند.

همانطور که پیشتر آمده گروه تئاتر امروز با نمایش زمزمه مردگان به اجرایی تجربی دست زده است. این تجربه هم به نوعی از تغییر شکل دادن سه مکتب سوررئالیسم ، اکسپرسیونیسم و رئالیسم حاصل می شود. سیامک احصایی نویسنده و کارگردان این نمایش که بیشتر به عنوان طراح صحنه و لباس در تئاتر و سینما شهرت دارد با اجرای این نمایش نخستین تجربه خود را در زمینه نویسندگی و کارگردانی از سر گذرانده است. او در این نمایش سعی می کند گذار از سه مکتب بالا را متناسب با مضمون و شکل نمایش به صورتی سنجیده به ثمر برساند.

شیوه ایست و حرکت بازیگران در قابهای ثابتی که در شروع نمایش آن را می بینم و طراحی نور برای مخاطب تداعی گر شیوه اجرایی سوررئالیسم است. احصایی در اجرای این شیوه نیز دست به یک ساختارشکنی جدید زده و آن ترکیب عناصر بصری جهت دستیابی به اهداف سوررئالیسم است. عمدتاً رسم است از گریم خاص و طراحی نور تخت جهت ارائه تصویر برای این مکتب سود می جویند. اما نوع حرکت بازیگران گریمی با کنتراست پایین و نوری ملایم با تاریکی فضای صحنه در می آمیزد و آمیزه ای جدید برای مخاطب ایجاد می کند. در این شکل اجرایی طبق نظر آندره برتون از نظریه پردازان سوررئالیسم ذهن باید از منطق و عقل رها شود. در واقع نوعی از ناخودآگاه ضمیر هنرمند روی صحنه اجرا شده که می تواند تصاویر جدیدی فارغ از قواعد دست و پاگیر اجرای ناتورالیستی و رئالیستی ارائه دهد. تصویر آغازین نمایش شخصیتهای مرده را چنان زندگی «رئالیستی» مراد، منظر و داود آغاز نشده مردگان به زمین آمده و در فضای قبرستان پراکنده می شوند. اینجا و هم در فضا به نورپردازی تیره کار سپرده می شود. شخصیتهای مرده که گویا قرار است تداعی گر ذهن مغشوش مراد شخصیت اصلی نمایش باشند با سرعت زیاد و حرکاتی متکی بر فیزیک دائم روی صحنه این سو و آن سو می روند و حتی از قصد مانع از تمرکز تماشاگر روی یک شخصیت خاص می شوند. اینجا در یک حرکت ناگهانی شیوه اجرا به سمت نمایش اکسپرسیونیستی تغییر می یابد. اینجا دیگر تنها هدف نمایش یک زندگی ماورایی نیست بلکه ابعاد درونی و لایه های زیرین داستان زندگی مراد در قبرستان برای مخاطب تداعی معانی می کنند. حتی نگره هایی مانند تقابل خیر و شر و چگونگی پیدایش نیروی شر با حضور یکی از مردگان مهدی ساکی و نماد خیر پانته آ بهرام نمودی عینی تر به خود می گیرند. اینجا زبان صحنه، زبان حرکت است. دلالت بر معناها نه در قالب گفتار که از طریق کردار و حرکات به بیننده عرضه می شود. پس در برخی موارد که تأکید کارگردان بر اعمال بیشتر است ریتم تغییر کرده و حرکات به شکلی نامحسوس کینه می شوند. بخش دیگر نمایش که با حذف شخصیتهای مرده در صحنه آغاز می شود نمایش وجوه رئالیستی زندگی مراد است.

برای نمایش تنش موجود و دستیابی به شخصیت پردازی مناسب نویسنده و کارگردان از کلام سود می جویند. به دلیل جنس دیالوگ ها که اتفاقاً در یکی از صحنه ها مراد خطاب به منظر با شیوه نگارش آنها شوخی می کند کلام بر حرکات چیره می شود. نمی توان نقش کلام در ارتباط تماشاگر با صحنه را در اینجا از نظر دور داشت. به دلیل جنس دیالوگها که عموماً پایه طنز دارند، حرکات نقش می بازند. از همین رو به طور مجدد احصایی جهت دستیابی به فضای تجربی موردنظر از شکستن روایت استفاده می کند تا کار به شکل یک رئالیسم محض جلوه نکند. اما نقطه ضعف نمایش، با اینکه هر یک از دو فضای زندگی مردگان و زندگی مراد به خوبی مورد پرداخت قرار گرفته اند، از جایی ناشی می شود که قرار است این دو فضا به عنوان یک کلیت در نمایش با یکدیگر همنشینی پیدا کنند. افراط در استفاده از کلام در بخش زندگی مراد و افراط در استفاده از تصویر و حاشیه های صوتی در بخش مردگان تماشاگر را در رویارویی با زبان نمایش به دو سمت مجزا رهبری می کنند. به طور طبیعی در بخش زندگی مراد به دلیل حجم زیاد جملات و اطلاعاتی که با نظر کارگردان باید به تماشاگر منتقل شود ریتم حرکات سریع است و این مسأله برای مخاطب مشکلی ایجاد نمی کند. اما در بخش روایتهای ذهنی مراد و دستیابی به دنیای مردگان تصویرسازی های مهم باید با طمأنینه صورت پذیرند. زیرا زبان کار، آبستره و انتزاع است و اگر تماشاگر ارتباطش با لحظه ای از نمایش قطع شود قادر به پیگیری آن نخواهد بود. از سوی دیگر این تغییر ریتم می تواند موجبات ملال خاطر او را پدید آورد.

به نظر می رسد احصایی در جایگاه نمایشنامه نویس نتوانسته همنشینی مناسبی را برای این دو فضای مجزا به دست دهد.

جدا از شیوه های سبکی در کارگردانی این نمایش به لحاظ مضمونی و شکل پیرنگ نمایشنامه احصایی داستانی دووجهی را برای مخاطب بازگو می کند. اول داستان مردی که به اشتباه فکر می کند مرتکب قتل شده و دوم هیاهوهای درونی این آدم در شرایط بحرانی که در آن واقع شده است. روایت موردنظر احصایی هم در عرض گسترش می یابد و هم در طول؛ آشفتگی ذهنی و فیزیکی مراد به عنوان مکمل یکدیگر عمل می کنند. گوشه چپ صحنه یک شیء مفتولی قرار دارد که چوبهای سوراخی به آن آویزان هستند. مرده ها دائم در رفت وآمد خود آن را برهم می زنند و مراد در یکی از صحنه ها آن را به شکل اول باز می گرداند. یا وقتی مراد از منظر می خواهد درخواستهای او را بنویسد مرده ای نیز کنار منظر همین کار را انجام می دهد. ممزوج شدن زندگی مراد با مرده ها و تبدیل شدن آدم های زنده به مرده برائر یک سوءتفاهم ساده نیز جزو نکات جالب توجه آن به نظر می رسد.

گروه تئاتر امروز با زمزمه مردگان تجربه ای تازه را پشت سر می گذارد ؛ تماشای کارهای قبلی این گروه، رقص، کاغذ پاره ها، پس تا فردا، همان همیشگی ، دل سگ و ... خاطرات خوبی را برای علاقه مندان خاص و تماشاگران عام از خود برجای گذاشتند. گروه تئاتر امروز با اجرای زمزمه مردگان بیشتر توجهش را به سوی تماشاگران خاص معطوف می دارد و این تغییر فضا نیز خود می تواند خاطره ای جالب باشد.

فراگیران دانشگاه
پیام نور
کارشناسی
فقط با ۳۸ ساعت مطالعه هر یک از کتب کمک آموزشی و تست های ویژه ما، خود را برای قبولی در آزمون ترم اول دانشگاه آماده نمایید.
تلفن تهران ۸۳۱۵۱۱۱
گروه موفقین معلم

آگهی مناقصه عمومی
در راستای سیاست دولت مبنی بر مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی و خدماتی، شهرداری بندرعباس در نظر دارد، عملیات تنظیف (رفت و روب)، جمع آوری زباله، لایروبی کانالها و حمل آن به محل دفن مربوط به سطح شهر بندرعباس از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط و با سابقه کار در شهرداریها واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتها و موسساتی که دارای امکانات و توانایی لازم مربوطه می باشند دعوت می گردد برای دریافت فرم مناقصه و کسب اطلاعات لازم از زمان درج در آگهی به مدت ۱۰ روز به اداره حقوقی و امور قراردادهای شهرداری مرکزی مراجعه نمایند.
هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
روابط عمومی شهرداری بندرعباس

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران
آگهی مناقصه
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران درنظر دارد احداث ۵ کیلومتر جاده اکتشافی دسترسی به پلنای ترود (کویر ترود) واقع در استان سمنان را که حدود یک کیلومتر آن در محیط باتلاقی می باشد از طریق مناقصه عمومی که جز، طرح های غیرعمرانی می باشد به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱ تا پایان وقت اداری مورخ ۸۳/۱۰/۱۴ برای دریافت اسناد مناقصه با واریز مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری ۸۳۲۱۶۰۵۰ بانک تجارت شعبه توانیر به نام شرکت مهندسی ایتوک ایران و با دردست داشتن اصل فیش واریزی به نشانی شرکت ایتوک ایران واقع در تهران، میدان ونک، خیابان برزیل، خیابان نیلو، کوچه ۱۲، پلاک ۸، واحد معدن مراجعه نمایند.
مناقصه گذار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد.

به نام خدا
وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب شیراز
آگهی مناقصه عمومی
شماره ۲۷۰/۲۵۵۵۵
مورخ ۸۳/۹/۲۱
شرکت آب و فاضلاب شیراز درنظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی انجام عملیات احداث شبکه جمع آوری فاضلاب شهرک گلدشت حافظ را به شرح زیر به شرکت ها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید:
۱- محل اجرا: شهرک گلدشت حافظ
۲- مدت اجرا: هشت ماه
۳- نحوه اجرا: در طول مدت هشت ماه
۴- محل اخذ اسناد مناقصه و تسلیم پیشنهادات: اداره مرکزی اتاق شماره ۱۲۳ دبیرخانه شرکت
۵- برآورد اولیه: ۷۰۱۷۸۸۵۸۵۲ ریال
۶- تاریخ نهایی اخذ اسناد مناقصه: ۸۳/۱۰/۷
۷- تاریخ نهایی قبول پیشنهادات: ۸۳/۱۰/۹
۸- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
۹- حق الدرج دو نوبت آگهی در روزنامه خبر جنوب و یک نوبت در روزنامه ایران به عهده برنده مناقصه می باشد.
شرکت ها و پیمانکارانی که دارای حداقل پایه ۴ در رشته آب (جدید) و یا رتبه ۳ و بالاتر تاسیسات شهری (قدیم) تشخیص صلاحیت شده سازمان مدیریت و برنامه ریزی بوده و مایل به شرکت در این مناقصه می باشند می توانند با اعلام آمادگی کتبی نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
شرکت آب و فاضلاب شیراز

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران
آگهی مزایده
این شرکت درنظر دارد عملیات بهره برداری و فروش سنگ آهن از معدن آنومالی شماره ۲ گل گهر واقع در ۵۵ کیلومتری جنوب غربی سیرجان در استان کرمان که به صورت روباز قابل بهره برداری می باشد را به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید. داوطلبان شرکت در مزایده به منظور اطلاع کامل ازجزئیات ودریافت شرایط شرکت درمزایده با واریز مبلغ یکصد هزار ریال به حساب شماره ۱۰۹۹۰۲ به نام این شرکت نزد بانک ملت، شعبه میدان ولیعصر از تاریخ چهارشنبه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲ تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۸۳/۱۰/۹ به امور بازرگانی شرکت واقع درتهران، میدان ولیعصر روبروی سینما استقلال، پلاک ۸۵، ۶ط، برج جنوبی، طبقه ششم مراجعه نمایند.
شرکت در قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران

IRAN DAILY
پیشرو در انعکاس اخبار و نظرات
پذیرش آگهی: ۸۷۳۳۷۶۴ / ۸۷۵۳۱۱۹ / ۸۷۵۷۷۰۲

گزارش یک نشست ادبی

مراتب زبانی زبان معیار و زبان مخفی

«مراتب زبانی، زبان معیار و زبان مخفی» عنوان نشستی بود که اخیراً در مؤسسه کتاب ماه برگزار شد.

این سلسله نشست ها به همت شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی برگزار می شود. در نشست یاد شده دکترعلی اشرف صادقی، دکتر کوروش صفوی و محمود جوانبخت حضور داشتند که از جنبه های مختلف در خصوص موضوع «مراتب زبانی، زبان معیار و زبان مخفی» نظرات ونگاه خود را ارائه کردند.

در ابتدای این نشست «محمود جوانبخت» در باب مراتب زبانی و انواع آن گفت: مبحث مراتب زبانی بیانگر آن است که عوامل اجتماعی خاص سبب می شود تا هرگوینده ای از مراتب مختلف زبانی استفاده کند وخصوصاً در بحث گزینش واژه از طریق آن عوامل، لغات خاصی را انتخاب کند. این مراتب زبانی عبارت اند از: مرتبه احترام آمیز، توهین آمیز، حرام یا تابو، دشنام، دعا، طنز، عامیانه، غیرمؤدبانه، فروتنانه، گفت وگو، محبت آمیز، مؤدبانه ونفرین.

پس از آن دکتر علی اشرف صادقی در باب لایه های زبانی تأکید کرد: هیچ زبانی یکدست نیست و کاربرد آن درجایگاهها و موارد مختلف، متفاوت است. از حیث جغرافیایی و اجتماعی زبانها دارای تفاوتهایی هستند. زبان شناسان غربی، لایه های اجتماعی زبانی را به سه گونه تقسیم می کنند: گونه معیار، گونه فوق معیار و گونه زیرمعیار. وی افزود: گونه «معیار» زبانی است که در موقعیت های رسمی به کار می رود و به طور کلی می توان گفت هرگاه دوشخصی که با هم ارتباط خصوصی ندارند بخواهند صحبت کنند، از زبان معیار بهره می گیرند. زبان «فوق معیار» نیز زبانی است که عمدتاً درنوشته های ادبی و مذهبی به کار می رود. زبان «زیرمعیار» هم زبانی است که در گروههای ضداجتماعی مثل گروه جنایتکاران، دزدان، تبهکاران و... به کار می رود. اصولاً کلمات آن غالباًبار شدید منفی دارد. دشنام ها و استفاده از کلمات تابو در این دسته قرار می گیرد. اصولاً این زبان در روابط اجتماعی معمولی به کار نمی رود مگر توسط افراد وگروههای خاص که این گروه ها در کشورهای متفاوت وضع متفاوتی دارند.

دکتر صادقی نیز درباب نقش زبان گفت: زبانها از حیث نقش واجدفرم هایی هستند که یکسان نیستند. در موقعیت رسمی ما از زبان معیار بهره می گیریم و از کلماتی استفاده می کنیم که در موقعیت خودمانی از آنها بهره نمی گیریم. «زبان خودمانی» شکلی از زبان است که در ارتباط با دوستان نزدیک و افراد خانواده به کار می رود و در بعضی از جوامع شکل ماورای رسمی است.

در ادامه این مبحث دکتر کوروش صفوی درباره گونه های زبانی اشاره کرد: به لحاظ نظری هر زبان طبیعی می تواند گونه های مختلفی داشته باشد و با وجود این افرادی که در یک گونه خاص صحبت می کنند، به لحاظ فردی هم زبان متفاوتی دارند.

دکتر حسن انوری هم در باب مراتب زبانی گفت: اصطلاح «مراتب زبانی» را من نخستین بار در شیوه نامه ای که برای فرهنگ بزرگ سخن تدوین کردم، به کار بردم. البته بعدها به نظرم رسید که بهتر است به جای آن از «مراتب اخلاقی زبان» استفاده کنم چرا که این در حقیقت به اخلاق گوینده ونویسنده باز می گردد. البته قدما نیز به این مسأله توجه داشتند و این مسأله جدیدی به شمار نمی آید. اما باید گفت کسانی که زبان معیار را رعایت نمی کنند، غالباً در رساندن مفهوم به مخاطب با اشکال مواجه می شوند.

دکتر انوری در باب عامل اعتراض در مراتب زبانی اظهار داشت: امروز به خصوص در جوامع غربی، جوانانی هستند که اعتراض خود را نسبت به سنن وآداب جا گرفته با آرایش یا لباسهای عجیب نشان می دهند، یکی از موارد اعتراض به سنت ها نیز اعتراض از طریق زبان است. یعنی اصطلاحات رایج بین جوانان به نوعی اعتراض نسبت به جامعه سنتی محسوب می شود.

دکترعلی اشرف صادقی درباره نحوه به کارگیری مراتب زبان در تدریس آن افزود: در تدریس زبان فارسی به خارجیان، باید اصولی را رعایت کرد که این اصول الزاماً در تدریس زبان فارسی به ایرانیان رعایت نمی شود. زبان گفتاری هنگامی که بخواهد به صورت مکتوب و نوشتاری عرضه شود، با کدهایی تبدیل به آن زبان می شود. ایرانیان زبان گفتاری را آموخته اند وتنها نیازمند آموزش زبان معیار نوشتاری هستند که آن را در انشاء ودستور زبان فارسی می آموزند وظیفه معلمان نیز آموزاندن زبان نوشتاری به دانش آموزان ایرانی است. اما زبان آموزان خارجی، زبان فارسی را از راه کتابت می آموزند، یعنی ابتدا زبان نوشتاری را می آموزد و وظیفه آموزگاران در مرتبه بعدی آموختن زبان گفتاری و لایه های متفاوت آن به یک فرد غیرفارسی زبان است.

در زبان انگلیسی تقریباً زبان نوشتاری و گفتاری به هم نزدیک است. اما زبان فارسی چنین نیست و لایه های مؤدبانه تو در توی آن بسیار است و تفاوتهای ساختاری گفتار و نوشتار نیز چشمگیر است. پس برای غیرفارسی زبانان ابتدا باید شکل رسمی زبان را آموزش داد و در کنار آن در کتابهای آموزشی باید مباحثی را به شکل های گفتاری زبان نیز اشاره کرد.

در ادامه دکتر انوری درباره تدریس زبان فارسی گفت: در ابتدا باید به این نکته توجه شود که زبان فارسی در کجا تدریس می شود. اگر دانشجویی می خواهد در ایران اقامت کند باید آموزش زبان گفتاری ببیند. اما دانش آموزی که در خارج از ایران است، در ابتدا باید زبان معیار را بیاموزد، در مرحله دوم زبان گفتار و در مرحله سوم، زبان ادبی را یاد بگیرد. در آموزش به ایرانیان نیز می توان در ابتدا زبان محلی بر منطقه را به زبان آموز آموخت و در کنار آن زبان فارسی معیار را. اما در تهران باید زبان معیار تعلیم داده شود تا پس از آن به زبان ادبی برسد.

دکتر کوروش صفوی در ادامه تأکید کرد: نهادهای مختلف ممکن است بدون توجه به اینکه افراد تخصص آموزش دادن را دارند، آنها را برای تعلیم زبان فارسی به کشورهای دیگر بفرستند. در ایران زمانی که صحبت از زبان فارسی می شود، مسأله این است که گونه نوشتاری را به کودک بیاموزیم و او خود گونه گفتاری را از محیط می آموزد. اما در خارج از ایران باید دید که فرد آموزش گیرنده برای چه مسأله ای می خواهد زبان فارسی را بیاموزد و آن شخص در چه مرتبه تخصصی است. پس ما نیازمند کتابهای مختلفی در این زمینه هستیم تا بتواند مخاطب خود را بیابد.

وی در باب توازن گونه گفتاری و نوشتاری در زبان فارسی گفت: در جامعه شناسی زبان شاخه ای به نام برنامه ریزی زبانی وجود دارد که یکی از اهداف آن است که ببیند تاچه حدی می توان گونه گفتاری را به گونه نوشتاری نزدیک کرد. بعضی از زبان شناسان بیشتر گرایش به گونه گفتاری دارند و می خواهند گونه نوشتاری را به گونه گفتاری نزدیک کنند. گروه دیگر بر این اعتقادند که باید گونه گفتاری را از حالت امروزی خارج کرد چراکه فاصله افتادن بین گونه گفتاری و نوشتاری را خطر بزرگی می دانند و معتقدند باید این دوگونه به هم نزدیک شود. هر چه به گونه معیار نزدیک شود به گونه نوشتاری هم نزدیک می شود. به نظر من این فاصله افتادن میان این دوگونه مسأله خیلی خطرناکی نیست چرا که سخنگوی زبان در مقطع خاصی از زمان و در شرایط خاصی می تواند این گونه گفتاری را در زبان خودش به گونه نوشتاری نزدیک کند.

در ادامه این نشست دکتر انوری در باب ضرورت توجه به مراتب زبانی در فرهنگ نویسی گفت: در فرهنگ نویسی این امر یکی از نکات شایان توجه است. در گذشته ظاهراً برای نخستین بار در لغت نامه دهخدا به مواردی چون «زبان جاهلان تهران» یا «زبان کودکانه» اشاره می شود. اما به صورت اینکه در همه جا از کدها استفاده شود، نیست. دکتر معین هم از این روش استفاده کرده است. اما برای نخستین بار در فرهنگ سخن این روش به صورت نظام مند به کار رفته است که هر جا که زبان از نظر مراتب اخلاقی با زبان معیار مغایر است آن را توضیح و تذکر داده ایم.

پس از آن دکتر صادقی در باب زبان مخفی جوانان و واژگان مصطلح در میان آنها گفت: باید تفکیکی میان زبان آرگوی جوانان وزبان عامیانه صورت بگیرد. در برخی زبانها به برخی لغات برچسب عامیانه زده اند و برخی را آرگو نامیده اند. آرگو اصطلاحات و تعبیرات خاص یک گروه است. امروزه در جامعه ما پدیده ای ایجاد شده که آن را «زبان مخفی» نامیده اند. اما در حقیقت این زبانی «بین گروهی» است، ویژگی این زبان در تمام جوامع ناپایداری آن است، یعنی به سرعت لغات وتعبیراتی در آن پیدا شده، پس از مدتی به کلی منسوخ شده و تعابیر دیگری جایگزین آن می شود. وجود چنین زبانی، در زبان فارسی سابقه ای ندارد اما رساله ای در دوران قاجار هست که تعدادی از لغات عامیانه را به صورت طنز معنا کرده اند. از سوی دیگر ذکر این لغات و تعابیر در کتابها و داستانها اشکالی ایجاد نمی کند، چرا که بیان کننده آن است که جوانان این دوره از چه اصطلاحاتی بهره می گرفتند. لازم به ذکر است برخی از این اصطلاحات وارد آثار این دوره نیز شده است.

وی درباره «چت» به عنوان یکی از منابع زبانی تصریح کرد: امروزه منبع زبانی جدیدی در زبان فارسی پیدا شده است و آن زبانی است که از طریق چت های اینترنتی شایع می شود و این کلمات صورت مکتوب یافته اند و در سطح وسیع تولید می شوند. به عبارتی باید این منابع دیجیتالی به صورت مکتوب به منابع کاغذی درآینده و ثبت و مدون شوند تا در آینده تعدادی از آنها در فرهنگها ذکر شود.

دکتر انوری در باب کلمات متداول میان جوانان اظهار داشت: وقتی که این زبانهای عامیانه و لاتی به صورت مکتوب درآیند و نویسندگانی از این واژگان در داستانهای خود استفاده کنند، آن زمان این تعابیر باید وارد فرهنگ شود. اما تا زمانی که به صورت مهجور تنها توسط یک نفر به کار می رود، نباید آن را وارد کتاب لغت کرد. آنچه در وبلاگ ها می آید اگر میان عام شیوع پیدا کند و داستان نویس نیز از آنها استفاده کند. در این صورت است که این کلمات می توانند وارد فرهنگ شوند. اما در حقیقت وب لاگ حکم نامه های قدیمی را دارد که تا وقتی کلامی از آن وارد زبان مکتوب نشده است در کتابهای لغت به آن اشاره نمی شود.

دکتر صفوی درباره زبان متداول میان جوانان اظهار داشت: این زبان را نباید «زبان مخفی» نامید، چرا که اگر مخفی باشد، نباید فهمیده شود، اما این زبان زبانی است که مختص یک گروه سنی است. پس زمانی که این تعابیر کاربرد عام یابند و مختص یک ناحیه خاص نباشند و نسلهای قبل و پس از آن، آنها را درک کنندو یا به کار ببرند، در حقیقت این تعابیر وارد زبان می شود. در چنین شرایطی است که ممکن است آیندگان روزی درپی یافتن معنای آن برآیند. پس ما باید نیاز آنها را پیش بینی کنیم و این تعابیر را وارد فرهنگ کرد.